

- ♦ بخشودگی روحانیون مرتبط با ساواک شاهنشاهی و جاسازی کردن آنها در ساختار اداری و کمتر علنی مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیته امداد، سازمان اوقاف، مجتمع‌های تازه تاسیس قضائی،
- ♦ برقراری پل پیوند با سرمایه‌داران وابسته به دربار سلطنتی که در امریکا و اروپا دفاتر تجاری-سیاسی برقرار کرده‌اند،
- ♦ تقسیم ثروت کشور بین سران مافیای سیاسی حاکم، که ابتدا تحت عنوان خصوصی سازی در طرح "تعدیل اقتصادی" آغاز شد و اکنون تا حد نوعی ملوک‌الطوایفی در جمهوری اسلامی پیش رفته و شامل نفت و گاز کشور نیز شده‌است!

این لیست سیاه را می‌توان- حتی در همین حد کلی و وارد نشدن در جزئیات- ادامه داد تا آن تغییرات اساسی و ضروری در ساختار سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی و خانه‌تکانی بزرگی که جنبش مردم خواستار آن هستند بیشتر نمایان شود. این تغییر ساختار و این خانه‌تکانی مهم، که فارغ از خودفریبی‌های چپ‌نمایانه و یا خوش‌خیالی‌های راست روانه، که اولی عمدتاً در خارج کشور و دومی عمدتاً در ساختار حکومتی طرفداران تحولات و اصلاحات ریشه دارد اجتناب ناپذیر است. برای درک ضرورت این خانه‌تکانی و تغییر ساختار، ابتدا باید واقعیت را شناخت، این شناخت را به آگاهی عمومی تبدیل کرد و سپس ابزار لازم برای تغییر این واقعیت را برگزید. بحث توده‌ای‌ها با همه نیروهای خواهان تحولات در ایران، از همینجا شروع می‌شود: از حرکت با جنبش مردم و نه در حاشیه آن، از تقویت آگاهی خود و سپس بردن این آگاهی به میان مردم. راه‌توده، مشی دیگری را جز این نمی‌شناسد و این نیز همان مشی توده‌ای و مشی شناخته شده حزب توده ایران.

آنچه را در ادامه می‌خوانید کوشش دیگری است برای همان آگاهی و جهت‌شناسی که در بالا به آن اشاره شد. پاسخی به بخش اندکی از سر فصل‌های مطرح شده در باره بحران اقتصادی در جمهوری اسلامی و ضرورت بازشناسی و تغییر آن!

## کارگزاران تعدیل اقتصادی نمی‌توانند کارگزار اصلاحات باشند!

### آغاز دولت هاشمی رفسنجانی و برنامه «تعدیل اقتصادی»

سال ۱۳۷۲ در چارچوب سیاست تعدیل اقتصادی و برپائی مناطق آزاد دولت هاشمی رفسنجانی قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی با تبلیغات بسیار از تصویب مجلس چهارم گذشت. مجلسی که در اختیار روحانیت مبارز و مولفه اسلامی بود و بخش وسیعی از آرمان‌خواهان مذهبی انقلاب ۵۷ از آن تصفیه شده بودند. یعنی کسانی که در چهار سال گذشته نیز، در عین حال که بحران اقتصادی را طرح می‌کنند، بدون هیچ اشاره‌ای به نقش خویش در بوجود آمدن این بحران کوشیدند با کارشکنی در کار دولت خاتمی مانع دوری دولت وی از برنامه‌های اقتصادی مصوبه مجلس چهارم و پنجم شوند!

### منابع کشور، مثل گوشت نذری بین خودی‌ها تقسیم شده!

# آقازاده‌ها کی قد کشیدند!

## نفت و گاز سرخس به تولیت آستانقدس واگذار شده و واعظ طبسی برای آن مدیر تعیین می‌کند؟

آنچه که امروز، در ایران از آن به عنوان بحران اقتصادی یاد می‌شود ریشه در بسیاری از رویدادهای سیاسی-اقتصادی نیمه دوم دهه اول انقلاب ۵۷ و بویژه دهه اول نیمه دوم جمهوری اسلامی دارد:

- ♦ فاجعه ادامه جنگ با عراق،
- ♦ بستن فضای سیاسی کشور به بهانه جنگ،
- ♦ به زنجیر کشیدن نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب و قتل‌عام آنها،
- ♦ به حاشیه راندن نیروهای مذهبی مدافع آرمان‌های اقتصادی انقلاب، بزرگترین و در عین حال، خونین‌ترین توطئه‌ها برای تقویت و تحکیم موقعیت نیروهای ارتجاعی و مخالف انقلاب در حاکمیت جمهوری اسلامی،
- ♦ تغییر قانون اساسی و گنجاندن "ولایت مطلقه فقیه" در آن، با هدف احیای سلطنت و بازگشت به قبل از انقلاب،
- ♦ زدوبند و معامله سیاسی برای تعیین "رهبر" مطیع و سخنگوی این تغییر توازن نیروها در حاکمیت،
- ♦ به زانو درآمدن در برابر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بردن کشور زیر بار بدهی ۴۰ میلیارد دلاری با قبول برنامه ضد ملی «تعدیل اقتصادی»،
- ♦ برتری مطلق تجارت بر تولید در اقتصاد ایران،
- ♦ چنگ اندازی بورژوازی تجاری و فربه شده ایران بر مهم‌ترین ارگان‌های نظامی و کشوری،
- ♦ ادامه و تشدید غارت مردم در سال‌های بعد از جنگ که در طول جنگ سازمان یافته بود،
- ♦ سرازیر شدن بخش اعظم ۴۰ میلیارد بدهی خارجی به جیب تجار بزرگ و روحانیون کودتاچی و حکومتی،
- ♦ رشد اختاپوسی مافیای اقتصادی-سیاسی در کشور،
- ♦ تغییر سنگر و موضع جمع قابل توجهی از روحانیون و غیر روحانیون مذهبی تا حد تواب شدن آنها و قرار گرفتنشان در صفوف رهبران مافیای یاد شده و صف نخست غارتگران اجتماعی،
- ♦ تبدیل شدن همین توابین حکومتی (کسانی که در سال‌های اول انقلاب، در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی چیز دیگری می‌گفتند و در دهسال دوم جمهوری اسلامی بکلی در موضع دیگری قرار گرفتند) به بزرگترین تجار و هدایت‌کنندگان بازرگانی خارجی و نابودکننده صنایع داخلی،
- ♦ صحنه گردان شدن رهبران حجتیه و ادامه جنایت علیه نیروهای دگراندیش و حتی مذهبی مدافع آرمان‌های انقلاب،

هیات وزیران تعیین خواهد شد، ایجاد و از امتیازات مناطق آزاد برخوردار می‌گردد.»

به این ترتیب و به موجب این قانون نیمی از میداین نفت و گاز کشور در چارچوب قانون مناطق آزاد قرار گرفته و بودجه و سرپرست جداگانه خود را خواهد داشت. به این ترتیب، میلیاردها دلار سرمایه ملی در این مناطق گام به گام بین آقازاده‌های همان‌هایی تقسیم می‌شود، که در نماز جمعه‌ها برای محرومان جامعه دلسوزی می‌کنند و اجر از زیرپای دولت اصلاحات می‌کشند! چرا دولت باید مماشات و سکوت کند؟ این اساسی‌ترین سؤال و اعتراض است!

به گوشه دیگری از غارت ثروت کشور و دست اندازی آقازاده‌ها بر آن نگاه کنیم: در منطقه عسلویه طرح ۲ میلیارد دلاری پتروشیمی با ظرفیت ۱٫۵ میلیون متر مکعب در سال برای تولید «اتلی لین» و طرح ۳۵۰ میلیون دلاری تولید فرآورده‌های نفتی در دست اجراست.

در سرخس یکی از بزرگترین ذخائر گاز ایران و بخشی از حاصلخیزترین مراعات دامداری کشور قرار دارد. میدان پارس جنوبی که قرار است درصدی از درآمد سالانه آن در اختیار مدیران و در عمل صاحبان منطقه آزاد عسلویه قرار گیرد، دارای ذخائر ارزی برابر ۳ میلیارد متر مکعب بوده و بهره برداری از آن به یک شرکت فرانسوی واگذار شده‌است. پیش‌بینی می‌شود که این میدان در عرض ۳۰ سال ۴۰ میلیارد دلار گاز تولید کند.

این برخورد نسبت به ثروت ملی کشور شبیه برخورد به گوشت نذری است که آن را بین خودی‌ها تقسیم می‌کنند.

## نیکاراگوئه در تدارک انتخابات ریاست جمهوری!

انتخابات ریاست جمهوری در نیکاراگوئه در پائیز امسال برگزار خواهد شد. پس از ۸ سال اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، احتمال پیروزی ساندنیست‌ها در این انتخابات بسیار واقعی به نظر می‌رسد. از همین رو، ایالات متحده سیاست مخالفت با دانیل اورتگا، نامز ساندنیست‌ها را از هم اکنون آغاز کرده‌است. بنا به گزارش واشنگتن پست مورخ ۱۵ مه ۲۰۰۱ «سطح خشونت در فعالیت‌های انتخاباتی، با توجه به زمانی که به انتخابات باقی است، تقریباً بی‌سابقه است. استراتژی ضدیت با اورتگا، به زبان امریکا تمام خواهد شد. حزب ساندنیست‌ها تنها حزب سیاسی است که برای مردم جذابیت دارد. اورتگا مخالف استراتژی پیشنهادی نهادهای مالی بین‌المللی است و برنامه خود را برای مبارزه با فقر دارد. این در حالی است که لیبرال‌ها حتی وجود فقر در این کشور را هم قبول ندارند!

ماه گذشته "آرنولدو آلمان"، رئیس‌جمهور نیکاراگوئه از کارگزاران صندوق بین‌المللی پول در آن کشور، طی سخنانی چیزی را خواست که بسیار شبیه به ارزیابی و خواست رهبران موفتلفه اسلامی در جمهوری اسلامی و علیه میرحسین موسوی در انتخابات سال ۷۶ بود. او گفت: «بازگشت اورتگا به قدرت یک فاجعه برای کشور خواهد بود. اگر اورتگا که نظراتش راجع به بازار آزاد و اقتصاد رقابتی را هنوز حفظ کرده انتخاب شود نیکاراگوئه و اقتصاد کشور چندگام به عقب برخواهند داشت!»

در عرض ۸ سال، مناطق آزاد به مراکز فعالیت‌های اقتصادی مافیای تجاری، خارج از کنترل و نظارت دولت تبدیل شد. بررسی علمی عملکرد این مناطق در ایران و مقایسه آن با تجربه موفق عملکرد مناطق آزاد در جمهوری خلق چین در نوشته جداگانه‌ای صورت خواهد گرفت، در اینجا بخشی از مصاحبه مهدی امرالهی، مدیرکل گمرک مهرآباد و مشاور رئیس کل گمرک ایران را در ارتباط با عملکرد این مناطق می‌آوریم. این کنکاش با آن امید صورت می‌گیرد که در دوره دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی، بخش معتقد به دنباله روی از برنامه تعدیل اقتصادی که با خواست‌های جنبش همخوانی ندارند از مواضع کلیدی دولتی کنار گذاشته شوند و در پیوند و اتحاد با بخشی از کارگزاران دولت تعدیل اقتصادی هاشمی رفسنجانی تجدید نظر اساسی صورت گیرد.

مهدی امرالهی در پاسخ به این انتقاد که «یخچال ساید بای ساید» که دیگر پارچه دور کمری نیست که آن را بتوان مخفیانه وارد کرد می‌گوید: «من هم با این صحبت موافقم، یخچال ساید بای ساید را نمی‌توان زیر لباس قایم کرد و به داخل کشور آورد، اما این را هم مطمئنم که گمرک ایران بر اساس قانون اقدام به ترخیص تمام کالاها می‌کند. در این مورد تقصیر متوجه گمرک نیست، چرا که وجود سه منطقه آزاد تجاری صنعتی در کشور و بازارچه‌های مرزی اعمال تمام قوانین ممنوعیت واردات را خنثی کرده‌است.» (دوران امروز ۲۷ اسفند ۷۹)

فاجعه با وصل شدن سرلوله‌های نفت به دفاتر تجاری و تجارخانه‌ها کامل‌تر می‌شود، چرا که مناطق آزاد به صنایع استراتژیک نفت و گاز هم گسترش یافت!

دولت اصلاحات، که اساساً بعنوان مجری خواست‌های مردم و علیه برنامه تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی و سپرده شدن جهت‌گیری‌های اقتصادی کشور در اختیار بازاری‌ها، تجار بزرگ و مافیای اقتصادی-سیاسی شکل گرفته و تشکیل شده بود، بدلیل نقش بسیار کلیدی و مهم بخشی از کارگزاران تعدیل اقتصادی در کابینه مصوبه‌ای در مهرماه ۱۳۷۸ گذراند که به موجب آن «از تاریخ تصویب این قانون منطقه حراست شده انرژی "عسلویه" در استان بوشهر که به موجب بند "د" تبصره ۲۵ قانون برنامه دولت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد گردیده، به عنوان منطقه آزاد تجاری-صنعتی انرژی پارس، بر طبق این قانون و قانون چگونگی اداره ماطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن اداره می‌شود: تبصره ۱- وسعت منطقه فوق‌الذکر ۲۷ کیلومتر مربع، برابر نقشه پیوست می‌باشد. تبصره ۲- سازمان منطقه فوق‌الذکر وابسته به وزارت نفت می‌باشد و مدیرعامل و اعضای هیات مدیره آن با پیشنهاد وزیر نفت و تصویب هیات وزیران انتخاب می‌گردد. تبصره ۳- به منظور تسریع در ایجاد تاسیسات زیربنایی مورد نیاز آبادانی منطقه، همه ساله با تصویب هیات وزیران در **صدمشخصی** از ارزش نفت و گاز و میعانات تولیدی از میدان پارس جنوبی در اختیار سازمان منطقه قرار خواهد گرفت تا در قالب بودجه سالیانه هزینه گردد.

ماده ۲- مناطق ویژه اقتصادی معادن و فلزات در بندر عباس، پتروشیمی ماهشهر، سرخس و انزلی به منطقه آزاد تجاری-صنعتی تبدیل و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن در مورد آنها اعمال می‌گردد.

تبصره- مدیرعامل **منطقه ویژه سرخس** بنا به پیشنهاد **تولیت آستانقدس رضوی** و تصویب هیات وزیران منصوب خواهد شد.

ماده ۳- منطقه گاز آغاچاری به عنوان منطقه ویژه اقتصادی و همچنین منطقه آزاد تجاری-صنعتی در استان اصفهان، در محدوده‌ای که توسط